

بازیابی مکرر:
قدرت اسپینوزا از کجا می آید؟

لویی آلتوسر، ژیل دلوز، الکساندر ماترون،
امیلیا جانکوئی، آنتونیو نگری، وارن مونتاگ،
پی یر ماشری، آندره توزل و...

گزینش و ترجمه
فؤاد حبیبی و امین کرمی



فهرست

- یادداشت مترجمان فارسی..... ۹
پیشگفتار مترجمان فارسی..... ۱۳

بخش نخست: طراحی نقشه‌ها

۱. دریافت‌ها از اسپینوزا و قلمرو نفوذ او (پی‌یر فرانسوا مورو)..... ۲۵
۲. درآمدی بر اسپینوزاشناسی متأخر (وارن مونتگ)...... ۶۱

بخش دوم: استقرار در موضع مناسب

۳. تنها سنت ماتریالیستی (لویی آلتوسر)..... ۸۳
۴. اسپینوزا و ما (ژیل دلوز)..... ۱۰۹
۵. در باب اسپینوزا (لویی آلتوسر)..... ۱۲۱
۶. اسپینوزا و پست مدرن‌ها (آنتونیو نگری)..... ۱۳۵
۷. اسپینوزا یا نقدی دیگر (آندره توزل)..... ۱۴۳
۸. تفاوت و آینده (آنتونیو نگری)..... ۱۶۹

بخش سوم: نیروها

۹. در باب تفاوت مابین اخلاق و اخلاقیات (ژیل دلوز)..... ۲۰۵

۱۰. اسپینوزا و «اخلاق» سه گانه (ژیل دلوز) ۲۲۱
۱۱. ذات، وجود و قدرت در بخش اول اخلاق: بنیان‌های
قضیه ۱۶ (الکساندر ماترون) ۲۴۳
۱۲. از عمل تا تولید اثرات: ملاحظاتی در باب اهمیت اخلاقی
بخش اول اخلاق (پی‌یر ماشری) ۲۶۱
۱۳. نظریه تأثیرات در استراتژی اخلاق اسپینوزا
(امیلیا جانکوئی) ۲۹۳
۱۴. عشق و تملک: به سوی اقتصاد سیاسی بخش پنجم اخلاق
(هاسانا شارپ) ۳۰۷
- منابع ۳۳۷
- نمایه اشخاص ۳۴۱
- نمایه کتاب‌ها و مقالات ۳۴۷

دریافت‌ها از اسپینوزا و قلمرو نفوذ او

پی‌یر فرانسوا مورو

کاوش و پژوهش در باب «اسپینوزیسم» دست‌کم به همان اندازه دربارهٔ تفاسیر دیگر جنبش‌ها از اسپینوزا – اعم از آن‌ها که با او در توافق‌اند و (در تعدادی بیشتر) آن‌ها که با او مخالف‌اند – آموزنده است که دربارهٔ تفکر خود او. فلسفهٔ اسپینوزا، بیش از فلسفه‌های دیگر، همانند آینه‌ای رو به روی جریان‌های بزرگ تفکر قرار گرفته است، آینه‌ای که می‌توان در آن تصاویر کج و معوج آن‌ها را مشاهده کرد. نخستین دریافت از فلسفهٔ اسپینوزا در میانهٔ [نبوهی از]^۱ مجادلات تحقق یافت؛ و جهات نفوذ وی همواره از این امر لطمه خورده است، به طوری که، در هر دوره، [خود] بازایی وضعیت دقیق اسپینوزیسم از زیر انباشتی از سوءاستفاده‌ها و سوءتعبیر، ابزار فکری مؤثری است برای تحلیل آرایش نیروها درون قلمرو ایده‌ها، ایده‌های مسلط و تحت سلطه، و نیردی که آن‌ها علیه یکدیگر به راه می‌اندازند. بدین سیاق می‌توان به کالونیسیم،^۲ دکارت‌گرایی، روشنگری و دیگر جنبش‌ها نگریست، تأملاتشان را ملاحظه کرد، و تناقضات خاصشان را در این دریافت و تأثیرگذاری به صورت عیان دید.

۱. قلاب‌ها افزودهٔ مترجمان کتاب است، مگر در جایی که در پانویست ذکر شده باشد. — م.

2. Calvinism

۱. سده هفدهم

تا یک سده و نیم پس از حیات اسپینوزا، نخستین چهره مفروض از وی چهره شخصی آنتیست یا غیرمتشرع بود. لئو بک^۱ (۱۸۹۵)، پل ورنیه‌ره^۲ (۱۹۸۲) و وینفرد شرودر^۳ (۱۹۸۷) صورت‌بندی این تصویر را مورد مطالعه قرار داده‌اند. برای سال‌های متمادی، بحث از اسپینوزا، پیش از هر چیز، با هدف رد وی انجام می‌گرفت؛ حتی ادعا می‌شد که اسپینوزا را باید با چنین قصدی خواناند.^۴ از طرف دیگر، اگر وی عقلی مثبت را برمی‌انگیخت، این امر نزد متفکرانی روی می‌داد که پیشاپیش به دین رسمی با دیدی انتقادی می‌نگریستند. با وجود این، هم ارتدوکس‌ها [مذهبی] و هم آن‌هایی که به دین پایبند نبودند در تلقی اسپینوزا به منزله فردی آنتیست یا بی‌اعتنا به امور دینی متفق‌القول بودند.

نقد رساله الهیاتی-سیاسی

انتشار رساله الهیاتی-سیاسی در سال ۱۶۷۰ اثری صاعقه‌وار برجای گذاشت. نخستین حمله عمومی از جانب استاد لابینتس، توماسیوس،^۵ مطرح شد، و خیلی زود کل مجموعه کشیش‌ها و دانشگاهیان – آلمانی، هلندی و حتی پروتستان‌های فرانسوی که در ولایات متحد هلند پناه گرفته بودند – اثر مزبور را محکوم کردند. با این حال، این نخستین بار نبود که امور یقینی مربوط به کتاب مقدس زیر سؤال می‌رفت: لورنزو والا،^۶ اراسموس و شارحان پروتستان مکتب سومور^۷ کتاب مقدس را به دست نقد فلسفی سپرده بودند. همچنین این نخستین باری نبود که این دست نقادی با تزه‌های سیاسی ترکیب شده بود: توماس هابز پیش‌تر در بخش سوم لوماتان^۸ چنین کاری را انجام داده بود. اما شاید این نخستین بار بود که این کار به طرز چنان‌چنین رادیکال انجام می‌گرفت. در این اثر نقد خرافه و معجزات سبک و فحواى منسجم‌تری پیدا کرد، و رابطه فی مابین پیامبری و تخلیل بالکل بر اساس قسمی انسان‌شناسی دقیق و منسجم بنا نهاده شد. بُعد جدلی اغلب پاسخ‌ها از این امر ناشی می‌شد.

رساله الهیاتی-سیاسی درباره چیست که چنین تأثیری برجای گذاشت؟ از یک طرف، این رساله دفاعیه‌ای بود از آزادی عقیده، یعنی حق شخص در انتخاب دین (که به منزله برخورداری از حق نداشتن هیچ‌کدام از ادیان موجود فهم شده بود)، چیزی که منتقدان به تأکید ادعا داشتند منجر به هرج‌ومرج می‌شود – به‌ویژه اگر نسبی بودن خیر و شر را [باز] بدان اضافه کنیم (که می‌توان آن را به صورت نظام‌مندی در بخش چهارم اخلاق یافت). از طرف دیگر، اثر مزبور نقدی بود بر کتاب مقدس – و خصوصاً اثبات منشأ غیر موسوی اسفار پنجگانه^۹ (هرچند فقط یک فصل از رساله الهیاتی-سیاسی به این موضوع اختصاص می‌یابد) و منشأ حرف آخر واکه زبان عبری – که تفسیر سنتی را آشفته می‌ساخت و خشم شدید ردیه‌نویس‌ها را برمی‌انگیخت. چرا؟ زیرا در عصر اسپینوزا مرجعیت کتب مقدس بر اعتبار و صحت موارد مذکور ابنا داشت؛ رد [صحت انتساب] مؤلفان کتب مزبور به معنای قطع کردن پیوستگی وحی، و بنابراین رد کردن مشروعیت کتاب مقدس است. وانگهی، در مورد پروتستان‌ها، که در زمره نخستین و پرشمارترین منتقدان [رساله الهیاتی-سیاسی] قرار داشتند، انسجام متن کتاب مقدس یکی از شروط اصل «یکتایی کتاب مقدس» به شمار می‌رود، اصلی که ایشان بر اساس آن از کلیساهایشان حمایت می‌کردند. اما برای فهم مشکل خاص آن‌ها باید پیش‌تر برویم. خود کالونیس‌ها قرائتی از کتاب مقدس را بسط داده بودند که در قبال بت‌پرستی و خرافه بسیار انتقادی بود؛ به نظر می‌رسد اسپینوزا، از طریق اصرار بر تغییرناپذیری قوانین طبیعت، استدلال آن‌ها را به کار می‌گیرد تا آن را به فراسوی آنچه پذیرفتنی است ببرد. کالونیس‌ها بر پیوستگی کتب عهد قدیم و عهد جدید تأکید داشتند، تا جایی که گاهی دولت یهود را به الگویی برای تفکر درباره سیاست بدل می‌ساختند؛ اسپینوزا این پیوستگی را پیش‌فرض می‌گیرد، اما آن را تا نقطه انکار الوهیت عیسی مسیح و، به طور متقارنی، انکار هر گونه اعتبار امروزمین قوانین موسوی راجع به دولت پیش می‌برد.

1. Leo Bäck 2. Paul Vernière 3. Winfried Schröder 4. Thomasius
5. Lorenzo Valla 6. Saumur 7. *L. eviathan*